

## کتابخانه‌های غرب از دید سفرنامه نویسان ایران

نوش آفرین انصاری (محقق)

در انگلیس یاد می‌کند اطلاعاتی در مورد دو شهر آکسفورد و کمبریج به دست می‌دهد و اینکه این دو شهر «مخصوص مدرسه و کتابخانه است»<sup>۱</sup> و همانجا نیز اشاره به این دارد که خود از کتابخانه آکسفورد دیدن نموده است.<sup>۲</sup>

در سال ۱۲۳۰ هـ. ق. / ۱۸۱۵ م. دو سفرنامه نویس از کتابخانه‌های روسیه یاد کرده‌اند. در شعبان آن سال میرزا ابوالحسن شیرازی معروف به ایلچی از کتابخانه پترزبورگ دیدن نموده است. شرح این بازدید به این صورت آمده است: «در آنجا خانه‌ای بود و جمعی سرایدار و بزرگان مستحفظ بودند. کتابهای بسیار و تواریخ به خط فرنگ و هر جا به اقسام مختلف الی غیر-النهاییه در آنجا بود. قرآن مجید هم در آنجا داشتند»<sup>۳</sup>.

میرزا صالح شیرازی در یادداشت مربوط به آخر شعبان همان سال از کتابخانه مسکو چنین یاد می‌کند: «از جمله جاها کتابخانه است. آن کتابخانه از ابنیه کترین سلطانه روس است. دفاتر همه روس و کتاب علوم از هر زبان و علمی در آنجا حاضر است. درب دیوار و زمین اوطاق مزبور از آهن است که من باب الاحتیاط آتش در آنجا نه افتد. کتابها را بنهجی گذارده‌اند که شخص کتابدار هر کتاب را که شخص بخواهد فوراً می‌دهد»<sup>۴</sup>.

در ادامه سفر خود به غرب همین سفرنامه نویس در سالهای ۱۳۳۵-۱۳۳۴ هـ. ق. / ۱۸۱۹-۱۸۱۸ م. مشاهدات دیگری را در مورد کتابخانه‌ها منعکس کرده است. این کتابخانه‌ها را می‌توان زیر عنوان کتابخانه‌های دانشگاهی، عمومی و شخصی گروه بندی کرد. او کتابخانه آکسفورد<sup>۵</sup> را چنین توصیف می‌کند: «کتابخانه عظیمی است. سیصد هزار جلد کتاب در آن هست. بعلاوه زبان یونان و روم و سایر فرنگستان، کتاب فارسی و عربی و ترکی بسیاری با مرقات و تصاویر بی شماری دارد. طریقه کتابخانه مزبور اینکه هرکس از ارباب خیر کتاب بسیاری وقف مدرسه نموده و هرکس از طلاب که معانت به اتباع کتاب ندارد هر روزه دو ساعت قبل از ظهر الی چهار ساعت بعد از ظهر در کتابخانه مزبور رفته، هر کتابی به هر زبان که می‌خواهد برداشته مطالعه می‌کنند، و بعد از آن بزرگ کتابخانه درب آن را بسته هرکس بجای [بجایی] می‌رود. و روز دیگر ایضا به جهت مطالعه در وقت معهود آمده کتابها را مطالعه می‌کند. و هرکس از اهالی مدرسه کتابی بخواهد بحجره خود بزد، نوشته [به] بزرگ کتابخانه داده مادامی که کتاب مزبور را ضرور دارد در حجره خود نگاه دارد. و خدمه چند در آنجا هست که متوجه کتابها می‌شود و نمی‌گذارد که گرد یا کرمی کتابها را خراب کند. در هنگامی که رفتیم الی ساعت چهار

پیوسته رسم بر آن بوده است که شرق از نگاه غربیان (مستشرقان) مورد توجه قرار گیرد و کمتر به این مسئله توجه شده است که شرقیان غرب را چگونه دیده‌اند. کار سفرنامه نویسانی که خاطرات مسافرت‌های خود را به رشته تحریر در آورده‌اند از این لحاظ جالب توجه است که نشان می‌دهد چه زوایایی بیشتر مورد توجه بوده و آنان را شیفته خود ساخته است. در این مختصر، که براساس تعداد اندکی سفرنامه که مورد بازدید نگارنده قرار گرفته فراهم آمده، نگاه سفرنامه نویسان ایرانی به کتابخانه‌های غرب دنبال شده است. این مشاهدات از آن لحاظ که توسط شواهد عینی صورت گرفته از جهت تحقیق تاریخی حائز اهمیت است و استخراج این گونه اطلاعات در باب موضوعات مختلف می‌تواند برگنجینه اسناد دست اول تاریخی بیفزاید. امید است بررسی اجمالی حاضر نیز در شناساندن گوشه‌ای از تاریخ کتابخانه و کتابداری مفید افتد. سفرنامه نویسان ایرانی قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری / قرن نوزدهم میلادی در آثار خود گاه به کتابخانه‌های غرب اشاره نموده‌اند. قدیم‌ترین اشاره به کتابخانه‌ها در سفرنامه میرزا ابوطالب خان معروف به مسیر طالبی<sup>۱</sup> منعکس شده است. نویسنده که بین سالهای ۱۲۱۳-۱۲۱۸ هـ. ق. / ۱۷۹۹-۱۸۰۳ م. به غرب سفر نموده در جایی که از بناهای عمومی

بعد از ظهر گذشته به مطالعه کتابهای عربی و فارسی و کوفی مشغول بوده از آنجا بیرون آمدم.<sup>۸</sup> غیر از کتابخانه بودلیان میرزا صالح به کتابخانه‌های اختصاصی هردانشکده نیز توجه نموده است به بیان خود او در هر مدرسه «کتابخانه مختص به مدرسه مزبور حاضر است»<sup>۹</sup> و طلاب مدرسه هر کتابی را که بخواهند در اختیار آنان قرار دارد.<sup>۱۰</sup> نظیر همین اشاره‌ها در مورد کتابخانه‌های شهر کمبریج آمده است. میرزا صالح از کتابخانه دانشگاه کمبریج<sup>۱۱</sup> که توسط «جرج اول» بنیاد شده یاد می‌کند و اینکه «سی هزار جلد کتاب از هر زبان در آن هست و همه وقف عام است.»<sup>۱۲</sup> همچنین از کتابخانه «ترینیتی کالج» این شهر به عنوان يك «کتابخانه بزرگ» نام می‌برد.

در سال ۱۳۳۵ هـ. ق. / ۱۸۱۹ م. میرزا صالح از موزه بریتانیا در لندن دیدن کرده است. او ضمن توصیف این موزه مشاهدات خود را در مورد کتابخانه موزه بریتانیا چنین منعکس می‌کند: «اولاً اوطاقیست که او را کتابخانه می‌نامند. چند اطاق توپرتو مملو از کتابهای علوم و صنایع از هر زبان در آن خانه حاضر است.»<sup>۱۳</sup> و باز در جای دیگر در مورد استفاده از مجموعه چنین آمده است: «اشخاص که پول ندارند که کتاب بخرند و طالب خواندن کتاب هستند هر روزه به آنجا رفته بدون اینکه دیناری به احدی دهند مشغول به خواندن کتاب می‌شوند.»<sup>۱۴</sup>

وضع نشر در انگلیس بخصوص برای میرزا صالح<sup>۱۵</sup> جالب توجه است. در این باره چنین می‌نویسد: «و اما طریقه انتشار علوم و کتاب و تصانیف در انگلند خصوصاً در لندن خالی از تعجب نیست و نیز تعداد اشخاصی که مشغول به چاپ زدن کتاب در چاپخانه هستند از شماره بیرون است. هر ساله به قدر هشتصد جلد کتاب، خواه تصنیف علوم و صنایع و بدایع، خواه از قبیل تاریخ دول و ولایات بعیده و خواه روزنامه تازه چاپ می‌زنند. و هر کدام از کتابهای مزبور را هزاران چاپ کرده به مصرف می‌رسانند. و سواى این، کتابهایی که سال قبل چاپ کرده اند هرکس جرح و تعدیلی به آن نموده مجدداً چاپ می‌زنند. و اخراجات اجرت چاپ کردن و قیمت کاغذ و صحافی کتابهای مزبور موافق سیاهه که در دست بنده است يك میلیون و دو بیست هزار تومان انگریزی می‌شود. زیاده از دو هزار نفر علی‌الدوام به چاپ کتابهای مزبور مشغول می‌باشند... موازی یکصد چاپخانه است که هر ساله در کار هستند.»<sup>۱۶</sup>

این طور به نظر می‌رسد که میرزا صالح بخصوص به دو جنبه کار کتابخانه‌ها توجه دارد، یکی کثرت کتاب و دیگر امکاناتی که

برای استفاده کنندگان فراهم است. از باب مثال در مورد کتابخانه کلیسای سن پل در لندن چنین می‌نویسد: «کتابخانه عظیمی متعلق به کلیسای مزبور است، خواه لاتین، و گریک و عبرانی و عربی و فارسی و خواه زبان یوروپ، از هر کدام از زبانهای مزبور کتاب بسیاری در آنجا حاضر است.»<sup>۱۷</sup> و جای دیگر در مورد کتابخانه شهر باث (Bath) در جنوب غربی انگلیس می‌نویسد: «هرکس به آنجا بود، هر کتاب بخواهد گرفته می‌خواند.»<sup>۱۸</sup>

از میان کتابخانه‌های خصوصی که مورد توجه میرزا صالح قرار گرفته می‌توان از کتابخانه خانواده مالبرو<sup>۱۹</sup> و کتابخانه دکتر رادکلیف<sup>۲۰</sup> نام برد. پس از توصیف خانه اجدادی خانواده مالبرو، کتابخانه آن را چنین توصیف می‌کند: «در کتابخانه هفده هزار جلد کتاب بود. و آن دوک<sup>۲۱</sup> که در حال حیات است شوق تامی در کتب قدیم دارد. در یکی از حراج خانه‌ها کتابی در زبان ایتالیا بوده، با یکی از بزرگان به ضد یکدیگر کتاب مزبور را یک هزار و دو بیست تومان انگریزی خریده است. نسخه آن را بالفعل در بازار يك شلینگ می‌فروشد...»<sup>۲۲</sup>

در مورد کتابخانه «راتلف» در آکسفورد این اطلاع را به دست می‌دهد: «داکتر مزبور چهل هزار تومان از خود خرج کرده کتابخانه ساخته»<sup>۲۳</sup> ولی ظاهراً تعداد کتابهای این کتابخانه به نظر میرزا صالح چندان چشمگیر نبوده، زیرا اضافه می‌کند که «کتاب بسیاری ندارد، یعنی مملو نیست.»<sup>۲۴</sup>

در سالهای ۱۲۴۵-۱۲۴۴ هـ. ق. / ۱۸۲۹-۱۸۲۸ م. مصطفی خان افشار در سفرنامه خسرو میرزا به روسیه به چند کتابخانه در مسکو اشاره کرده است. به گفته این سفرنامه نویس در نزدیکی اقامتگاه مهمانان ایرانی کتابخانه بزرگی وجود داشته «در کمال آراستگی» که در آنجا «کتب لغات مختلفه، الاغت ایران به کثرت و فراوانی جمع کرده بودند.»<sup>۲۵</sup> او همچنین به کتابخانه مدرسه علوم مسکو که در سال ۱۸۲۹ مورد بازدید قرار گرفته اشاره می‌کند و کثرت تعداد کتابهای آن جلب توجه نویسنده را کرده است.<sup>۲۶</sup> و بالاخره در مورد کتابخانه شخصی یوسوف<sup>۲۷</sup> آمده است که این کتابخانه «بیشتر از سی هزار تومان می‌ارزد.»<sup>۲۸</sup>

رضاقلی میرزا در سالهای ۱۲۵۲-۱۲۵۰ هـ. ق. / ۱۸۳۴-۱۸۳۶ م. به اروپا سفر کرده است. او به کثرت کتابخانه‌های سلطنتی اشاره می‌کند، از آن جمله می‌نویسد که «کتابخانه یکی از سلاطین را برآوردی کردیم ۵۰ هزار جلد متجاوز بود»<sup>۲۹</sup> این سفرنامه نویس در ملاقاتی که با سرگور اوزلی

داشته کتابخانه شخصی او را چنین توصیف می‌کند: «کتابخانه مشارالیه را در فارسی و عربی کمتر کسی از سلاطین عجم داشته‌اند. کتبی چند از او در آنجا ملاحظه شد که تا به حال دیده نشده بود. از قراری که خود مشارالیه بیان می‌کرد بعد از جمع‌آوری آن کتابخانه گذار او به مملکت هندوستان افتاد و با وجود کتابخانه (ای) چنان که موجود داشته ۳۰ هزار تومان دیگر در یک مجلس به بهای کتاب فارسی داده است.»<sup>۲۰</sup>

میرزا یوسف خان مستشارالدوله را نمی‌توان از جمله سفرنامه نویسان به حساب آورد، ولی از آنجا که نظر او در موضوع مورد بحث مبتنی بر مشاهدات عینی در مدت اقامت او در سال ۱۲۸۷ هـ. ق. / ۱۸۷۰ م. در پاریس است صلاح دیده شد در این جا ذکر شود. آنچه برای این نویسنده اعجاب‌انگیز است توجه اروپائیان به گردآوری کتاب به زبانهای مختلف است. به بیان خود او «در کتابخانه‌های پاریس و لندن بیش از پنجاه لسان کتب دیده‌ام.»<sup>۲۱</sup> او همچنین به مسئله نشر توجه کرده است و در این باره چنین می‌نویسد: «هرکس آزاد مختار است در نگارش و طبع خیال خود به شرط آنکه مخالف و مضر احکام قانون نباشد. باید دانست که حریت مطابع و ممالک متحده امریکا و انگلیس و فرانسه و سویس و یونان به مرتبه کمال است و امروز در شهر پاریس صد چاپخانه و ششصد کتابفروشی است.»<sup>۲۲</sup>

تعدادی از سفرنامه نویسان به کتابخانه‌ها و قرائت خانه‌هایی که در انجمنها وجود داشته و برای استفاده گروههای خاص بوده اشاره کرده‌اند. حسین بن عبدالله سرابی، سفرنامه نویس فرخ خان امین الدوله، در سال ۱۲۷۳ هـ. ق. / ۱۸۵۸ م. ضمن توصیف یکی از انجمنهای لندن به کتابخانه این «کلوب» اشاره می‌کند و می‌گوید: «بقرار ده دوازده هزار جلد کتاب از هر علم خریداری می‌شود.»<sup>۲۳</sup> و در جای دیگر این نکته را متذکر می‌شود که «از هر روزنامه آنجا حقی دارد، روزبروز آورده آنجا می‌دهند»<sup>۲۴</sup>، و در ادامه توصیف خود اضافه می‌کند که «بعد از صرف شام جوقه جوقه مشغول صحبت و بازی و مطالعه کتب و خواندن روزنامه می‌باشند.»<sup>۲۵</sup> به نظر نویسنده سفرنامه این گونه محافل و انجمنها برای «تحصیل اخبار»، «تذهیب اخلاق»، «کسب تربیت» و «آموختن علوم ادبیه» مفید است.

حسن خان صنیع الدوله نیز در سفر کوتاهی که در سال ۱۲۹۲ هـ. ق. / ۱۸۷۶ م. به عاشوراده کرده از کلوب آنجا که متعلق به نظامیان روس بوده دیدن نموده و کتابخانه آن را به این شرح توصیف می‌کند: «کتابخانه کلوب عاشوراده عبارت است از

اطاقی که بیست ذرع طول دارد و ده ذرع عرض. دو کتابخانه بزرگ در یک سمت اطاق گذارده شده، چهارصد پانصد جلد کتاب از هر زبان حتی فارسی چایی هم در آن کتابخانه هست. میز بزرگی وسط گذاشته شده روزنامه به زبان روسی روی آن میز ریخته شده است.»<sup>۲۶</sup>

بازدید از انجمنها جزء برنامه رسمی مهمانان ایرانی در انگلیس بوده و به نظر می‌رسد که کتابخانه و قرائتخانه این انجمنها همواره جلب توجه می‌کرده است. فی‌المثل در گزارش سومین سفر ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۶ هـ. ق. / ۱۸۸۸ م. در این مورد چنین آمده: «اطاقی کتابخانه است که در آنجا کتاب می‌خوانند و اطاقی دیگر برای روزنامه خوانی است که انواع روزنامه جات تازه را هر روز در آنجا حاضر می‌کنند.»<sup>۲۷</sup> در این سفرنامه به نکته دیگری نیز توجه شده است و آن اینکه از اطاق تشریفات برای مصارف دیگری نیز استفاده می‌شود. به بیان خود نویسنده: «یکفتر کنثل کوتاه ریش سفید روزنامه در دستش روی صندلی خوابش برده بود...»<sup>۲۸</sup> و بالأخره حاجی پیرزاده نائینی که بین سالهای ۱۳۰۴-۱۳۰۳ هـ. ق. / ۱۸۸۶ م. از لندن دیدن کرده، کتابخانه موزه بریتانیا را مورد توصیف قرار داده است. او در مورد شکل ظاهری ساختمان چنین می‌نویسد: «کتابخانه لندن بسیار بزرگ و عالی است و عمارت و سردر و جلوخان کتابخانه را بسیار مرتفع و با سنگهای بزرگ و ستونهای هشت ذرعی ساخته‌اند.»<sup>۲۹</sup> نویسنده سپس به وضعیت داخل کتابخانه توجه نموده و تالار قرائت کتابخانه را به این شرح توصیف می‌کند: «در وسط عمارت جائیست و گنبدیست بسیار بزرگ که چهل ذرع در چهل ذرع طول و عرض اوست و سقف او تماماً از بلور است و آن گنبد مدور است و دورتادور آن قفسه‌ها و مرتبه‌ها ساخته‌اند که در آنها کتاب چیده‌اند که هشتاد هزار جلد کتاب در آن قفسه‌ها چیده شده و در میان گنبد تختی از چوب ساخته‌اند و رئیس کتابخانه در آنجا می‌نشیند. اطراف تخت به طور دایره مانند صندلیها گذارده‌اند.»<sup>۳۰</sup> در مورد تعداد مراجعان به این تالار اینطور اظهار نظر شده که «به قدر هزار نفر جمعیت در آنجا نشستند از روی کتابها چیز می‌نویسند.»<sup>۳۱</sup> نویسنده سپس به توصیف مخازن کتابخانه می‌پردازد: «در اطراف گنبد کتابخانه اطاقهای بسیار بزرگ است که چهار مرتبه است و از زمین تا به سقف کتابها را به ترتیب چیده‌اند.»<sup>۳۲</sup> در مورد شیوه تفکیک مجموعه توضیح می‌دهد که «کتابخانه هر ولایتی علیحده است»<sup>۳۳</sup>، سپس از مجموعه‌های روسی، آلمانی، فرانسه، چینی، هندی، عربی، فارسی و ترکی نام

می برد و اضافه می کند که «از هر مملکتی هر کتابی که بوده بزحمت زیاد تحصیل نموده، آورده اند و در آن کتابخانه گذارده اند.»<sup>۲۱</sup>

در مورد کیفیت مجموعه عربی و فارسی کتابخانه چنین می نویسد: «همه آن کتابها خطی است و کتابهایی است که حالا ابتدا در عربستان و ایران پیدا نمی شود»<sup>۲۲</sup> و در جای دیگر اشاره می کند که «قرآنها خطی که در مصر و شام و ایران نوشته شده در آن کتابخانه بسیار است و نیز تفسیرهای بسیار»<sup>۲۳</sup> نویسنده در رابطه با به وجود آمدن این مجموعه به دو بعد اشاره می کند، یکی استمرار در گردآوری آثار و دیگر توجه به آثار جدید. در مورد اول این طور اظهار نظر می کند که کتابخانه کتابهای قدیمی را «کم کم» خریده و یا «تحصیل» نموده است و در مورد دوم به این نکته توجه می دهد که «حالا نیز هر کتابی که در ایران و عربستان تصنیف شود و یا چاپ شود همان سال باید در کتابخانه حاضر باشد»<sup>۲۴</sup>

سپس اشاره می کند که برای کتابهای عربی و فارسی کتابخانه فهرست<sup>۲۵</sup> تهیه شده و از نظر تنظیم به این نکته توجه می دهد که این فهرست را «اسم به اسم چاپ زده اند»<sup>۲۶</sup>، نفاسات آثار معرفی شده در فهرست را این طور توصیف کرده است: از صد جلد کتاب متجاوز بود بسیار کتابها از خط کوفی و کاغذ پوست آهو و جلدهای قیمتی»<sup>۲۷</sup>، بالاخره امکاناتی که برای مراجعان به این کتابخانه فراهم بوده مورد توجه این سفرنامه نویس قرار گرفته است، به بیان خود او «هرکس بخواهد در آن کتابخانه تحصیل علم نماید یا از روی کتابی بنویسد با کمال میل، بی ممانعت اذن می دهند که تمام روز در آنجا برود و از روی هر کتابی که می خواهد بنویسد»<sup>۲۸</sup>

(John Moore) را به این کتابخانه اهدا نمود و در همان سال کتابخانه دانشگاه کمبریج به عنوان یکی از کتابخانه های دریافت کننده نسخ مجانی از آثار منتشره در انگلیس شناخته شد.

۱۲ - سفرنامه میرزا صالح ص ۳۸۳. ۱۲ - همان، ص ۳۱۴. ۱۴ - همان، ص ۳۱۵.

۱۵ - میرزا صالح نخستین ایرانی است که در ایران اقدام به تأسیس چاپخانه برای چاپ کتب فارسی و چاپ روزنامه نمود. (بامداد، مهدی. تاریخ رجال ایران، ج ۲، ص ۱۷۸)

۱۶ - سفرنامه میرزا صالح، ص ۳۱۴ - ۳۱۳.  
۱۷ - همان، ص ۲۹۶. ۱۸ - همان، ص ۳۶۸.

۱۹ - در سفرنامه به صورت مابرسا آمده در حالی که توضیحات نویسنده نشان می دهد مراد مارلبورا (Marlborough) ۱۷۲۲ - ۱۶۵۰ م. / ۱۱۳۲ - ۱۰۶۰ ه. ق. است.

۲۰ - در سفرنامه راتلف آمده در حالی که مراد نویسنده جان رادکلیف (J. Radcliffe) ۱۷۱۴ - ۱۶۵۰ م. / ۱۱۲۶ - ۱۰۶۰ ه. ق. پزشک انگلیسی است که ثروت خود را برای ساختن کتابخانه، درمانگاه و رصدخانه به دانشگاه آکسفورد وقف کرد.

۲۱ - جرج سننسر چرچیل (G. Spencer Churchill 5th Duke of Marlborough) ۱۸۴۰ - ۱۷۶۶ م. / ۱۲۵۶ - ۱۱۸۰ ه. ق.

۲۲ - سفرنامه میرزا صالح، ص ۳۵۵ - ۳۵۴.  
۲۳ - همان، ص ۳۵۶. ۲۴ - همانجا.

۲۵ - افشار، مصطفی. سفرنامه خسرو میرزا، تهران، مستوفی، ۱۳۴۹. ص ۱۹۲.  
۲۶ - همان، ص ۱۹۷.

۲۷ - نیکلای بوریسویچ یوسوپوف (N. B. Yousouf) ۱۸۳۱ - ۱۷۵۰ م. / ۱۲۴۷ - ۱۱۶۴ ه. ق.

۲۸ - سفرنامه خسرو میرزا، ص ۳۵۰.  
۲۹ - رضاقلی میرزا، سفرنامه، به کوشش اصغر فرمانفرمانی قاجار، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶. ص ۴۲۵.

۳۰ - سفرنامه رضاقلی میرزا، ص ۴۷۶.  
۳۱ - مستشارالدوله، یوسف، رساله موسومه به يك كلمه. (بی. م. بی. نا)، ۱۲۸۷ ه. ق. (سنگی).

۳۲ - همان، ص ۳۷ - ۳۶.  
۳۳ - سرابی، حسین. مخزن الوقایع، به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت الله روشنی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴. ص ۲۶۳.

۳۴ - همانجا. ۳۵ - همانجا.  
۳۶ - اعتمادالسلطنه، محمد حسن. روزنامه خاطرات، با مقدمه و فهرس از ایرج افشار. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰. ص ۴۲.

۳۷ - سفرنامه ناصرالدین شاه به فرنگ، تهران، ۱۳۰۸ ه. ق. (سنگی). ص ۱۹۳.  
۳۸ - همانجا.

۳۹ - بیرزاده نائینی، محمدعلی. سفرنامه، به کوشش حافظ فرمانفرمانیان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲. جلد اول، ص ۳۱۲.  
۴۰ - همان، ص ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵ - همانجا.

۴۱ - همان، ص ۳۱۴. ۴۲ - همانجا.  
۴۳ - همان، ص ۳۱۴. ۴۴ - همانجا.

۴۴ - همان، ص ۳۱۴. ۴۵ - همانجا.  
۴۶ - همان، ص ۳۱۴. ۴۷ - همانجا.

۴۸ - اشاره به فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه که توسط شارل ریو (Charles Rieu) تنظیم شده و جلدهای اصلی آن بین ۱۸۹۵ - ۱۸۷۹ م. / ۱۳۱۳ - ۱۲۹۶ ه. ق. منتشر گردید.

۴۹ - سفرنامه بیرزاده، ص ۳۱۳.  
۵۰ - همانجا. ۵۱ - همان، ص ۳۱۴.

۱ - ابوطالب خان، مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، جیبی، ۱۳۵۲.

۲ - همان، ۱۹۰. ۳ - همانجا.

۴ - به احتمال قوی اشاره به کتابخانه سلطنتی سن پترزبورگ است که در سال ۱۷۹۵ م. / ۱۲۰۹ ه. ق. تأسیس شد.

۵ - علوی شیرازی، محمد هادی، دلیل السعراء، سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی به روسیه، به کوشش محمد گلبن، تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷. ص ۱۹۲.

۶ - صالح شیرازی، سفرنامه، به اهتمام اسماعیل راتین، تهران، روزن، ۱۳۴۷. ص ۸۲.

۷ - کتابخانه بودلیان در آکسفورد به همت سر توماس بودلی (Sir Thomas Bodley) در سال ۱۶۰۲ م. / ۱۰۱۱ ه. ق. تأسیس شد.

۸ - سفرنامه میرزا صالح، ص ۳۵۱. ۹ - همانجا. ۱۰ - همانجا.  
۱۱ - در سال ۱۷۱۵ م. / ۱۱۲۷ ه. ق. رزق اول مجموعه بسیار با ارزش ج. مور